معرفی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

معرفی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی از دیرباز همواره جزء اهداف و آمال آزاداندیشان، متفکران و شخصیت‌های مصلح سیاسی و مذهبی بوده و تلاش برای تحقق آن در اعصار گوناگون، با فراز و نشیب فراوان روبه‌رو گردیده است. از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران نیز وصول به این هدف مقدس که متکی به ریشه‌های استوار در کتاب و سنت می‌باشد، یکی از بزرگ‌ترین اهداف رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) بوده است.

طرح مسئلت تقریب مذاهب در جهان اسلام، به معنای «نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت یکدیگر و دستیابی به اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی»، در پی ناهمسازی‌ها و تفرقه‌های موجود میان جوامع مختلف اسلامی آغاز گردید. تبعات ناشی از این مسئله، در روابط قومی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسلمانان هویدا شد؛ و به‌موازات پیدایش این اختلافات، تلاش در جهت همبستگی و وحدت میان مسلمانان از سوی دانشمندان و مصلحان جامعه اسلامی آغاز گردید. در اثر این

تلاش‌ها، تا قرن ششم هجری، تلاقی گسترده اندیشه میان عالمان و حاملان حدیث از مذاهب مختلف اسلامی یافت می‌شود. در این دوران، وجود مناظره‌های علمی بسیار میان اندیشمندان و در اغلب موارد، واقع‌گرایی و تلاش در جهت پیشبرد مطالعات علمی و پژوهشی بدون ابراز تعصب ناروا نسبت به یک مذهب خاص، نشان از نزدیکی و همسازگرایی فرقه‌های گوناگون اسلامی دارد.

گرچه در دوره‌های بعد، تلاش در راستای وحدت مسلمانان دچار فراز و نشیب‌های فراوانی گردید، اما از اواسط قرن بیستم میلادی و در پی سوءاستفاده‌های غرب و استعمار کهنه آن و دستاویز قراردادن اختلافات جزئی مذهبی میان مسلمانان و بزرگ جلوه‌دادن آن برای جلوگیری از قدرت‌گیری و اتحاد جهان اسلام، با ظهور مصلحانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمدتقی قمی، آیت‌ا‌ا‌العظمی بروجردی و بسیاری دیگر از پرچمداران وحدت، این امر مهم شتاب بیشتری یافت تا مسلمانان که پایبندی به برخی از آراء نامربوط به عقاید ضروری، آنان را از هم دور می‌کرد به همگرایی و وحدت فراخوانده شوند.

اهمیت طرح اندیشه تقریب و وحدت میان مذاهب اسلامی زمانی روشن می‌گردد که در نظر داشته باشیم این مسئله، یعنی اختلاف میان مسلمانان، روزنه و پاشنه آشیلی است برای بهره‌برداری مخالفان و دشمنان اسلام. در طول تاریخ، همواره شاهد بوده‌ایم هر جا استعمار بر آن شده است تا ضربه‌ای به مسلمین بزند، مهم‌ترین ابزارش دمیدن بر خاکستر اختلافات و شعله‌ور ساختن تعصبات مذهبی میان اقوام و جوامع اسلامی بوده است. ازآنجاکه بازیابی اقتدار گذشته جهان اسلام جز از طریق وحدت میان مسلمانان و نزدیکی به یکدیگر امکان‌پذیر نیست، دشمنان پیوسته در تلاش بوده‌اند تا از یکپارچه شدن این امت جلوگیری کنند و با طرح مسائل اختلافی، مانع دستیابی آنان به این هدف عالی گردند.

این در حالی است که امت مسلمان، از هر فرقه و مذهبی، پایبند به اصول اساسی دین مبین اسلام هستند که در میان همه آنان یکسان است و فرقه‌های مختلف اسلامی حتی در بسیاری از فروع نیز با یکدیگر مشترک‌اند و عالمان و اندیشمندان مسلمان می‌توانند - و باید - با رجوع به این مبانی و تأکید بر آن، راه را برای وصول به این هدف متعالی هموار گردانند و دسیسه‌های دشمنان در بزرگ ساختن موارد اختلافی را با هوشیاری و تلاش نقش‌برآب کنند.

بر همین اساس بود که از میان شخصیت‌های یاد شده، استاد شیخ محمدتقی قمی از حوزه علمیه شیعه به قاهره، مرکز بزرگ علمی و محل اجتماع دانشمندان اهل‌سنت مهاجرت کرد و نهال تقریب را در آنجا نشاند. وی برای اهل‌سنت تبیین کرد که شیعه را با فرقه غلات و تخطئه اشتباه گرفته‌اند؛ همچنان که

شیعه نیز اهل‌سنت را با فرقه ناصبی اشتباه گرفته است. او در تبادل اندیشه با علمای اهل‌سنت و طرح اندیشه‌های خود همه را به وحدت کلمه و سعه‌صدر دعوت نمود. حاصل این تبادل اندیشه، ایجاد مرکزی به نام «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» بود. از جمله نخستین فعالیت‌های این مرکز انتشار مجله رساله الاسلام بود که نخستین شماره آن در ربیع‌الاول 1368 هـ. (ژانویه 1949م.) منتشر شد و تا رمضان 1392 هـ. (اکتبر 1972م.) ادامه داشت و مقالات علمی و ارزشمند متعددی در حوزه مطالعات تطبیقی به قلم گروهی از عالمان مذاهب مختلف اسلامی در آن درج می‌شد. از دیگر فعالیت‌های برجسته دارالتقریب قاهره، اهتمام به تصحیح و انتشار کتاب «مجمع‌البیان لعلوم القرآن» اثر امین‌الاسلام طبرسی از علما و مفسران قرن ششم هجری است. شیخ عبد المجی سلیم، رئیس وقت الأزهر، لب به ستایش این کتاب گشود و آن را کتابی ارزشمند و پربار و یکی از کتاب‌های مرجع در تفسیر و علوم قرآن دانست.

فتوای شیخ محمود شلتوت، شیخ الأزهر، در 17 ربیع‌الاول 1378 هجری، در جواز مراجعه به همه مذاهب اسلامی معروف از جمله مذهب جعفری، اوج فعالیت‌ها و نتایج ایجاد این مرکز بود. متن فتوا حاوی موارد مهم و قابل تأملی بود که تا آن زمان سابقه نداشت. در این فتوا آمده است:

اسلام هیچ‌یک از پیروان خود را به پیروی از مذهب معینی ملزم نکرده است؛ بلکه هر مسلمانی حق دارد از هر مذهبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتاب‌های مخصوص خودش تدوین گشته پیروی کند و هرکس از یکی از این مذاهب تقلید کرده، حق دارد به مذهب دیگر - هر مذهبی که باشد - منتقل شود و هیچ‌گونه ایرادی در این باره بر او نیست.

مذهب جعفری معروف به «شیعه امامیه اثنا عشریه» مذهبی است که شرعاً تعبد به آن همچون سایر مذاهب اهل‌سنت جایز می‌باشد؛ بنابراین شایسته است که مسلمانان این حقیقت را بشناسند و از تعصب ناروا نسبت به مذاهب معینی دوری کنند. زیرا دین خداوند و شریعت او منحصر به مذهب معینی نیست بلکه همه امامان، مجتهدانی بوده‌اند که اجتهادشان نزد خداوند متعال پذیرفته شده و کسانی که اهل‌نظر و اجتهاد نیستند می‌توانند از آنها تقلید کنند و در این باره بین عبادات و معاملات فرقی نیست.

این‌گونه بود که رفته‌رفته اندیشه تقریب، در قالب یک مکتب فکری در مجامع علمی اسلامی موردتوجه قرار گرفت؛ مکتبی که پایه و اساس آن مبتنی بر بحث و استدلال علمی و کتاب و سنت بود. در همین راستا تبادل اندیشه‌ها میان دانشمندان مذاهب مختلف، روندی صعودی گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ایجاد یک حکومت اسلامی توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت

امام خمینی (ره)، زمینه‌ساز گسترش این تلاش در میان مسلمانان گردید. طرح شعار وحدت و اهتمام ویژه امام راحل به این اندیشه راهبردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی تبلور یافت؛ آنجا که بیان می‌گردد پیروان مذاهب اسلامی از آزادی کامل در پایبندی به اعتقادات خویش برخوردارند. حتی این پیروان حق دارند به دادگاه‌هایی که بر اساس دیدگاه آنان حکم می‌کنند مراجعه نمایند. نمونه بارز دیگر از اهتمام این انقلاب بر وحدت امت اسلامی، تعظیم شعائر دینی نظیر حج و نمازجمعه است که از بزرگ‌ترین عرصه‌های اجتماع مردمی در اسلام می‌باشد.

جمهوری اسلامی با نام‌گذاری فاصله میان دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول به نام هفته وحدت، بر آن بوده است تا مسلمانان همچنان که جشن‌های میلاد پرشکوه پیامبر اسلام (ص) را برگزار می‌کنند، از نظر فکری و معنوی نیز با تمام وجود در جوی از وحدت اسلامی قرار گیرند؛ و باعث شده است مسئله‌ای که شاید می‌توانست عاملی برای تشدید اختلافات میان مسلمانان شیعه و سنی باشد، رهیافتی به‌سوی وحدت آنان گردد. کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی نیز در همین راستا و در ایام هفته وحدت، با اهتمام فراوان برگزار می‌شود.

به دنبال برگزاری چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی که با حضور جمعی از اندیشمندان جهان اسلام از سوی سازمان تبلیغات اسلامی در تهران برگزار شد، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌ا‌ خامنه‌ای دستور تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را صادر فرمودند. این مجمع که رسالت اصلی آن طبق آنچه در استراتژی آن آمده، عبارت است از «ارتقای سطح آشنایی و آگاهی و تعمیق تفاهم بین پیروان مذاهب اسلامی و تقویت احترام متقابل و تحکیم رشته‌های اخوت اسلامی در بین مسلمانان بدون هیچ‌گونه تمایزی از لحاظ تعلقات فرقه‌ای، قومی یا ملی آنان به‌منظور رسیدن به امت واحده اسلامی».

الف) استراتژی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در فاصله سال‌های 1382 تا 1391 ش

تدوین برنامه‌ریزی راهبردی از آن روی اهمیت دارد که هرچند سازمانی در فعالیت‌های گذشته خود موفقیت‌هایی داشته باشد، اما موفقیت درگذشته، هیچ تضمینی برای دستیابی به موفقیت در آینده نیست. در همین راستا، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی جهت دستیابی به آرمان‌ها و اهداف خود، طرح جامع برنامه‌ریزی استراتژیک را تهیه نمود و آن را به نشست بین‌المللی شورای‌عالی مجمع که در تاریخ 2 و 3 دی‌ماه 1381 در تهران برگزار شد، تقدیم کرد. شورای‌عالی در این اجلاس آن را بررسی و تصویب نمود.

فصل اول: مفاهیم اختصاصی

1 ـ تقریب

از نظر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تقریب عبارت است از نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی برای شناخت یکدیگر به‌منظور دستیابی به اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی.

2 ـ وحدت اسلامی

وحدت اسلامی عبارت است از همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود.

3 ـ مذاهب اسلامی

مقصود از مذاهب اسلامی آن دسته از مکاتب فقهی معروف اسلامی هستند که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به کتاب و سنت می‌باشند. از نظر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی این مذاهب فقهی به رسمیت شناخته شده عبارت‌اند از: مذهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی از اهل‌سنت و مذهب اثنی‌عشری و زیدی از شیعه؛ و مذهب اباضی. (البته مذاهبی هستند که یا پیرو ندارند و یا در یکی از مذاهب مذکور، مندرج می‌باشند و یا به شکل آرای فردی که مقید به مذهب معینی نیستند عمل می‌کنند).

فصل دوم: مبانی تقریب

حرکت تقریب بین مذاهب بر مبانی و اصولی کلی استوار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. قرآن کریم و سنت شریف نبوی دو منبع اساسی برای شریعت اسلام هستند و تمام مذاهب اسلامی در این دو اصل مشترک‌اند و حجیت سایر منابع در گرو استناد به این دو منبع اصلی است.

۲. ایمان به اصول و ارکان زیر ملاک اسلامیت است:

الف. ایمان به وحدانیت خداوند تعالی (توحید)

ب.ایمان به نبوت و خاتمیت رسول اکرم حضرت محمد (صلی‌ا علیه و آله و سلم) و سنت پیامبر به‌عنوان یکی از منابع اصلی دین

ج. ایمان به قرآن کریم و مفاهیم و احکام آن به‌عنوان اولین منبع دین اسلام

د. ایمان به معاد

ه. عدم انکار ضروریات دین و تسلیم‌شدن به ارکان اسلام مثل نماز، زکات، روزه، حج، جهاد و…

۴. وحدت اسلامی یکی از ویژگی‌های امت اسلامی در قرآن مجید و از اصول بسیار مهم آن است. این اصل در موارد تزاحم با اصول دارای اهمیت کم‌تر بر آنان مقدم می‌شود.
۵. اصل برادری اسلامی مبنایی کلی برای تعامل بین مسلمانان است.

فصل سوم: رسالت و چشم انداز مجمع

رسالت مجمع جهانی تقریب عبارت است از: «ارتقای سطح آشنایی و آگاهی و تعمیق تفاهم بین پیروان مذاهب اسلامی و تقویت احترام متقابل و تحکیم رشته‌های اخوت در بین مسلمانان بدون هیچ‌گونه تمایزی از لحاظ تعلقات فرقه‌ای، قومی یا ملی آنان به‌منظور رسیدن به امت واحده اسلامی.»

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی مجموعه‌ای است متشکل از ده‌ها تن از علمای مذاهب اسلامی در کشورهای مختلف جهان که به‌عنوان یکی از مراکز مهم منادی تقریب و وحدت در جهان اسلام شناخته شده و زمینه‌ساز تعامل میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی می‌باشد. این مجمع در نظر دارد در ده سال آینده شرایط مطلوب ذیل را محقق گرداند:

۱. نزدیک‌تر ساختن وضعیت جامعه امروز اسلامی به وضعیت عصر رسول اکرم (ص) به‌عنوان الگو از جهت برادری دینی و ازبین‌بردن خصومت و تعصبات فرقه‌ای میان پیروان مذاهب اسلامی.
۲. گسترش هم‌بستگی موجود میان برخی از مذاهب اسلامی به سایر مذاهب اسلامی و تمام مسلمانان.
۳. پذیرش و مقبولیت عمومی مسلمانان نسبت به اختلافات مذهبی برخاسته از اجتهادات ضابطه‌مند.
۴. الگو قراردادن رفتار ائمه مذاهب اسلامی با یکدیگر و گسترش آن در میان پیروان امروز آنان.

فصل چهارم: زمینه های تقریب

زمینه‌های تقریب مذاهب اسلامی، تمام ابعاد زندگی پیروان این مذاهب را در برمی‌گیرد. از آن جمله است:

اعتقادات

همه مذاهب اسلامی به اصول اعتقادی (توحید، نبوت، معاد و…) و ارکان اسلام باور مشترک و واحدی دارند و اختلاف در فروعات آن خللی به اصل اسلام و برادری اسلامی وارد نمی‌سازد.

فقه و قواعد آن

طبق نظر محققین و فقهای مذاهب، مشترکات در ابواب فقهی نسبت بالایی را به خود اختصاص داده است اختلاف‌نظر در برخی مسائل فقهی نیز طبیعی و برگرفته از برداشت‌های اجتهادی فقیهان است.

اخلاق و فرهنگ اسلامی

مذاهب اسلامی در زمینه اخلاق فردی و اجتماعی و فرهنگ اسلامی اختلافی ندارند و پیامبر اکرم الگوی اخلاقی همه مسلمانان است.

تاریخ

بدون شک، مسلمانان در وحدت مسیر تاریخی اسلام در مقاطع اساسی آن اتفاق‌نظر دارند و اختلافات فرعی و جزئی را می‌توان در جوّی آرام مطرح ساخت و در موارد بسیاری به‌اتفاق نظر رسید؛ لذا نباید اختلاف‌نظرها آثار منفی بر روند کنونی امت اسلامی بگذارد.

موضع‌گیری‌های سیاسی امت اسلامی

طبیعی است که همه مسلمانان دشمنان مشترکی دارند که می‌بایست در برابر آنان همچون بنیانی مرصوص و در صفی واحد استوار بایستند. ویژگی‌های امت اسلامی نیز بر این اصل تأکید مضاعف دارد و منعی در هیچ‌یک از مذاهب اسلامی در این زمینه وارد نشده است و بر رهبران و علما و روشنفکران مسلمان است که سیاست واحدی را در برابر دشمنان در پیش گیرند.

فصل پنجم: اصول و ارزش ها

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در حرکت اصلاحی خود و انجام برنامه‌هایش به این اصول و ارزش‌ها پایبند است:

ـ ضرورت همکاری همه‌جانبه در موارد مورد اتفاق مسلمانان.

ـ لزوم موضع‌گیری هماهنگ و واحد در برابر دشمنان اسلام.

ـ پرهیز از نسبت دادن کفر و فسق و بدعت به یکدیگر.

ما مسلمانان با پذیرش مشروعیت اجتهاد در چارچوب منابع اصیل اسلامی بایستی لوازم و تبعات این اصل را هم بپذیریم و اگر یک نظر اجتهادی از دیدگاه ما خطا بود، صاحب آن را به کفر و فسق متهم نکنیم؛ بنابراین، امور اختلافی را از رتبه کفر و ایمان به رتبه خطا و صواب باید تنزل داد.

از طرف دیگر نباید کسی را به علت لوازم سخن یا اعتقادش که از نظر ما به انکار اصول دین منتهی می‌شود، تکفیر نماییم زیرا ممکن است او به این لوازم اعتقاد نداشته باشد.

ـ برخورد محترمانه در امور اختلافی: وقتی اسلام نوعی شکیبایی دینی را در مناسبات خود با سایر ادیان توصیه می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد که به مقدسات فکری و اعتقادی باطل دیگران بی‌حرمتی ننمایند، به‌طریق‌اولی در مناسبات بین مسلمانان، اصل اجتناب از بی‌حرمتی به مقدسات پیروان مذاهب اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دهد و آنان را به معذور دانستن یکدیگر در امور اختلافی دعوت می‌نماید.
ـ آزادی اختیار مذهب: اصل آزادی مذهبی به‌عنوان یک اصل کلیدی در روابط فردی جریان خواهد داشت. پس هر فرد در انتخاب مذهب اسلامی خود آزاد است. سازمان‌ها و دولت‌ها نبایستی مذهبی را به‌اجبار به دیگران تحمیل نمایند بلکه باید همه مذاهب اسلامی را به رسمیت بشناسند.
ـ آزادی عمل به احکام شخصیه: در مسائل مربوط به احوال شخصیه، پیروان مذاهب اسلامی تابع مقررات مربوط به مذهب متبوع خود هستند؛ مگر در امور مربوط به نظم عمومی که قوانین جاری کشور متبوع آنان حاکم خواهد بود.
ـ حل اختلافات از طریق گفت‌وگوی سالم و رعایت آداب آن: بر اساس آیه شریفه «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» قرآن کریم مسلمانان را به گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و بدون هیاهو با کفار و اهل کتاب، برای رسیدن به حقیقت، دعوت کرده است؛ بنابراین بر مسلمانان به‌طریق‌اولی لازم است اختلافات خود را از طریق گفت‌وگوی سالم و رعایت آداب آن حل‌وفصل نمایند.
ـ لزوم اهتمام همه مسلمانان به ابعاد عملی تقریب و تبلور ارزش‌های آن و نیز تلاش همه‌جانبه در راه اجرای شریعت اسلامی در تمام عرصه‌های زندگی.

فصل ششم: اهداف رسمی و سازمانی

هدف رسمی ۱: کمک به امر احیا و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و دفاع از حریم قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص).
هدف رسمی ۲: کوشش در راه ایجاد آشنایی و تفاهم بیشتر بین علما، متفکران و پیشوایان مذهبی جهان اسلام در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، اجتماعی و سیاسی.
هدف رسمی ۳: گسترش اندیشه تقریب در بین اندیشمندان و فرهیختگان جهان اسلام و انتقال آن به توده‌های مسلمان و آگاه کردن آنان از توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان اسلام.
هدف رسمی ۴: رفع بدبینی‌ها و شبهات بین پیروان مذاهب اسلامی.
هدف رسمی ۵: کوشش در تحکیم و اشاعه اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی.

هدف رسمی ۶: سعی در ایجاد هماهنگی و تشکیل جبهه واحد در مقابل توطئه‌های تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام بر اساس اصول مسلم اسلامی.

ب) اساسنامه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامیفصل اول: کلیات

ماده اول: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که ازاین‌پس در این اساسنامه مجمع تقریب نامیده می‌شود، مؤسسه‌ای است اسلامی، علمی، فرهنگی و جهانی که به دستور حضرت آیت‌ا‌ خامنه‌ای، ولی‌امر مسلمین در سال 1369 هجری شمسی تأسیس شده و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و طبق مقررات این اساسنامه اداره می‌شود.

ماده دوم: محل اصلی مجمع تقریب تهران - خیابان آیت‌ا‌ طالقانی - پلاک 248 است و می‌تواند در صورت ضرورت در نقاط مهم ایران و سایر کشورهای جهان شعب یا دفاتری تأسیس کند.

ماده سوم: اشراف و نظارت عالیه بر مجمع تقریب با ولی‌امر مسلمین است.

ماده چهارم: زمان فعالیت مجمع نامحدود است.

فصل دوم: اهداف

ماده پنجم: مجمع تقریب برای رسیدن به اهداف زیر فعالیت می‌کند:

الف- کمک به امر احیا و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و دفاع از حریم قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص).
ب- کوشش در راه ایجاد آشنایی و تفاهم بیشتر بین علما، متفکران و پیشوایان مذهبی جهان اسلام در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، اجتماعی و سیاسی.
ج- گسترش اندیشه تقریب بین اندیشمندان و فرهیختگان جهان اسلام و انتقال آن به توده‌های مسلمان و آگاه کردن آنان از توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان.
د- کوشش در تحکیم و اشاعه اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی.

ه- سعی در ایجاد هماهنگی و تشکیل جبهه واحد در مقابل توطئه‌های تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام بر اساس اصول مسلم اسلامی.

و- رفع بدبینی‌ها و شبهات بین پیروان مذاهب اسلامی.

تبصره ۱: مجمع تقریب مؤسسه غیرانتفاعی است.

فصل سوم: راهکارها

ماده ششم: مجمع تقریب اهداف خود را از راه‌های زیر تحقق می‌بخشد:

الف. شناسایی و ارتباط با جمعیت‌ها و انجمن‌ها و شخصیت‌های گوناگون مسلمان به‌منظور ایجاد زمینه فعالیت‌های مشترک.

ب. تألیف، تحقیق، نشر و توزیع کتب و مطبوعات و تحقیقات و بررسی‌های علمی و اجتماعی مناسب در زمینه مسائل مشترک مذاهب اسلامی.

ج. ایجاد و گسترش فعالیت‌های حوزوی و دانشگاهی در زمینه علوم اسلامی.

د. برگزاری کنفرانس و حضور و شرکت در مجامع مناسب.

ه. عضویت در مجامع بین‌المللی از قبیل سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد (بخش سازمان‌های غیردولتی).

و. تأسیس جماعت‌های تقریبی در نقاط مختلف دنیا.

ز. کمک به انجمن‌ها، مؤسسات و افراد متمایل به تقریب.

ح. در صورت لزوم، تأسیس مراکز، شعب و نمایندگی در مناطق مهم.

فصل چهارم: ارکان

ماده هفتم: ارکان مجمع تقریب عبارت است از:

الف. مجمع‌عمومی

ب. شورای‌عالی

ج. دبیرکل

فصل پنجم: مجمع عمومی

الف. تشکیل مجمع‌عمومی

ماده هشتم: اعضای مجمع‌عمومی از میان علما، متفکران و پیشوایان مذاهب اسلامی سراسر جهان که موافق فکر تقریب مذاهب اسلامی باشند توسط شورای‌عالی برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند.

ماده نهم: عضویت اعضای مجمع‌عمومی قائم به شخص است.

ماده دهم: اجلاس عادی مجمع‌عمومی هر دو سال یک‌بار خواهد بود. در صورت ضرورت، اجلاسیه‌های فوق‌العاده مجمع‌عمومی با تصویب شورای‌عالی تشکیل می‌شود.

ماده یازدهم: اجلاس مجمع‌عمومی با حضور اکثریت کل اعضا رسمیت می‌یابد و اعتبار مصوبات با نظر اکثریت حاضر در اجلاس خواهد بود.

ب. وظایف و اختیارات

ماده دوازدهم: وظایف و اختیارات مجمع‌عمومی عبارت است از:

- تصویب آیین‌نامه داخلی مجمع‌عمومی.
- بررسی و اظهارنظر در مورد گزارش دبیرکل از فعالیت‌های انجام شده.
- بررسی و تصمیم‌گیری درباره مسائل ارجاعی از طرف شورای‌عالی.
- بررسی مسائل و مشکلات کلی جوامع اسلامی و ارائه راه‌حل‌ها.

فصل ششم: شورای عالی

الف. تشکیل شورای‌عالی

ماده سیزدهم: اعضای این شورا از میان علما، متفکران و شخصیت‌های مذاهب معتبر اسلامی توسط ولی‌امر مسلمین برای مدت 6 سال منصوب می‌شوند.

تبصره ۲: دبیرکل، عضو شورای‌عالی خواهد بود.

تبصره ۳: هر یک از اعضای شورا، عضو مجمع‌عمومی مجمع تقریب نیز هست.

تبصره ۴: انتصاب مجدد اعضای شورای‌عالی بلامانع است.

ماده چهاردهم: شورای‌عالی در برابر ولی‌امر مسلمین در حدود اختیارات و مسئولیت‌های محوله، مسئول

و پاسخگوست.

ماده پانزدهم: تعداد اعضای شورای‌عالی حداقل 15 نفر و حداکثر 21 نفر است.

ماده شانزدهم: با تصویب اکثریت اعضای شورای‌عالی دو نفر از اعضا به‌عنوان رئیس و نایب‌رئیس به مدت دو سال انتخاب خواهند شد.

تبصره ۵: شورای‌عالی یک نفر را به‌عنوان دبیر جلسات انتخاب خواهد کرد.

ماده هفدهم: جلسات شورای‌عالی با حضور اکثریت اعضای موجود در ایران رسمیت پیدا می‌کند و مصوبات آنان با اکثریت حاضران معتبر است.

ماده هجدهم: دعوت به جلسات به عهده دبیرکل است و در صورت لزوم، به درخواست رئیس یا یک‌سوم اعضای موجود در ایران جلسات تشکیل می‌شود و دعوت برای تشکیل هر یک از جلسات مجمع‌عمومی یا شورای‌عالی به‌وسیله نامه خصوصی یا درج در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به عمل می‌آید و فاصله دعوت از روز انتشار تا تشکیل جلسه، حداقل 10 روز و حداکثر 40 روز خواهد بود.

ماده نوزدهم: قبول استعفا، عزل و یا جای‌گزینی هر یک از اعضای شورای‌عالی با ولی‌امر مسلمین است.

تبصره 6: غیبت چهار جلسه متوالی و غیرموجه اعضا به منزله استعفای از عضویت است.

ب: وظایف و اختیارات

ماده بیستم: وظایف و اختیارات شورای‌عالی مجمع تقریب عبارت است از:

۱. تصویب آیین‌نامه داخلی شورای‌عالی و آیین‌نامه‌های مجمع تقریب.
۲. تصویب سیاست‌ها و برنامه‌های مجمع تقریب.
۳. انتخاب سایر اعضای مجمع‌عمومی و انجام هرگونه تغییری در آنان.
۴. پیشنهاد هرگونه تغییری در اساسنامه مجمع تقریب به ولی‌امر مسلمین.
۵. پیشنهاد یک نفر به‌عنوان دبیرکل مجمع تقریب به ولی‌امر مسلمین جهت تصویب.
۶. تصویب تأسیس مراکز، شعب و دفاتر نمایندگی مجمع تقریب در سراسر جهان.
۷. تشکیل کمیته‌های تخصصی، عنداللزوم.
۸. تصویب تشکیلات مجمع تقریب.
۹. تصویب بودجه و هزینه‌های سالانه مجمع تقریب و پیشنهاد آن به دولت بر اساس نیاز مجمع.
۱۰. اهتمام در تأمین نیازهای مالی مجمع تقریب.

۱۱. نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های مجمع تقریب.

۱۲. بازرسی از نحوه فعالیت‌های مجمع تقریب.

۱۳. پیگیری اجرای مصوبات مجمع‌عمومی.

۱۴. تصویب رؤسای شعب و نمایندگی‌های مجمع.

فصل هفتم: دبیر کل

الف. انتخاب دبیرکل

ماده بیست و یکم: دبیرکل، عالی‌ترین مسئول اجرایی مجمع تقریب است که با پیشنهاد شورای‌عالی توسط ولی‌امر مسلمین به مدت چهار سال منصوب می‌شود.

تبصره ۷: قبول استعفا و یا عزل دبیرکل با ولی‌امر مسلمین است.

ماده بیست و دوم: در صورت وفات، استعفا و یا عزل دبیرکل یک نفر از اعضای شورای‌عالی با انتخاب شورای‌عالی تا تعیین دبیرکل جدید عهده‌دار وظایف او خواهد بود.

ب: وظایف و اختیارات

ماده بیست و سوم: وظایف و اختیارات دبیرکل عبارت است از:

ـ پیشنهاد سیاست‌ها و برنامه‌های مجمع تقریب به شورای‌عالی.

ـ پیگیری و اجرای مصوبات شورای‌عالی.

ـ مدیریت و نظارت بر کلیه فعالیت‌های اجرایی مجمع تقریب.

ـ دعوت به جلسات شورای‌عالی و مجمع‌عمومی و سایر جلسات عمومی.

ـ تهیه و تدوین گزارش فعالیت‌های انجام شده و ارائه آن به شورای‌عالی و مجمع‌عمومی جهت ارزیابی.

ـ تشکیل کمیته‌های موقت برحسب ضرورت.

ـ انتصاب معاونان مجمع تقریب با اطلاع شورای‌عالی.

ـ انتصاب رؤسای نمایندگی‌های آن در داخل و خارج از کشور با تصویب شورای‌عالی و عزل یا قبول استعفای آنان.

ـ پیشنهاد بودجه و هزینه‌های سالانه مجمع تقریب به شورای‌عالی و پیگیری آن از طریق مراجع ذی‌ربط.

ـ امضای موافقت‌نامه‌ها، اسناد مالی، حقوقی و ثبتی و هرگونه تغییرات مربوط و استیفای حقوق مجمع.

ـ انجام سایر امور محوله از سوی ولی‌امر مسلمین و شورای‌عالی.

ماده بیست و چهارم: دبیرکل می‌تواند بخشی از وظایف و اختیارات خود را به معاونان و مدیران تفویض نماید؛ به‌شرط این‌که مخل به وظایف و اختیارات اساسی دبیرکل نباشد.
ماده بیست و پنجم: دبیرکل سخنگوی مجمع تقریب بوده و در مقابل شورای‌عالی مسئول و پاسخگوست.

تبصره 8: کلیه اوراق و اسناد مربوط به مجمع از قبیل چک، سفته، برات، قراردادهای تعهدآور و اسناد رسمی با امضای دبیرکل و معاون پشتیبانی و با مهر مجمع معتبر می‌باشد.

فصل هشتم: منابع مالی

ماده بیست و ششم: منابع مالی مجمع تقریب عبارت است از:

ـ موقوفات، نذورات و کمک‌های دریافتی از محل وجوهات شرعیه
ـ درآمدهای متفرقه
ـ کمک بلاعوض اشخاص حقیقی و حقوقی
ـ دریافت وام با تصویب شورای‌عالی از منابع مختلف در مواقع ضروری
ـ سایر درآمدهایی که منابع آن به تصویب شورای‌عالی برسد

فصل نهم: متفرقه

ماده بیست و هشتم: در صورت انحلال مجمع تقریب، کلیه اموال منقول و غیرمنقول آن جهت صرف در مصالح امت اسلامی در اختیار ولی‌امر مسلمین قرار می‌گیرد.
ماده بیست و نهم: همکاری با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در امور بین‌الملل ضرورت دارد.
ماده سی‌ام: این اساس‌نامه در نه فصل و سی ماده و هشت تبصره به پیشنهاد دبیرکل در تاریخ 17/7/1380 به تصویب شورای‌عالی مجمع رسید.

ج. منشور وحدت اسلامی

بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب‌العالمین والصلاه والسلام علی سید البشریه وأسوتها محمد النبی

الامین وآله الطاهرین و صحبه المیامین ومن تبعهم باحسان الی یوم الدین.

بر پایه ایمان به این‌که اسلام، امانتی نزد مسلمانان است و دفاع از حریم و مقدسات آن بر همه واجب است، و با ملاحظه تأکید اسلام بر پایبندی به همه اموری که به وحدت اسلامی می‌انجامد و روابط برادرانه را بین امت‌ها استوار می‌سازد و منطق صحیح و زبان گفت‌وگوی سازنده را ترویج می‌نماید و همکاری، همبستگی، همدلی بین مسلمانان و پاسداری از مصالح عالیه اسلام را تحقق می‌بخشد، و نظر به ابعاد تهاجم گسترده و ناجوانمردانه استکبار جهانی و صهیونیسم بر فرهنگ، ارزش‌ها، منافع و استقلال امت اسلامی و با تأکید بر ضرورت بسیج همه نیروهای مادی و معنوی در برابر این تجاوزات و دشمنی‌ها، ما دانشمندان و متفکران امضاکننده این منشور، پس از آگاهی از گام‌های استواری که علمای مسلمان درگذشته، در مکه مکرمه، تهران، امّان، قاهره و ... برداشته‌اند، برایمان و پایبندی خود به مبانی، اصول و شیوه‌های زیر تأکید نموده، دیگران را به التزام به آن دعوت می‌کنیم:

مبانی:

یکم: اسلام دین خاتم و تنها راه پیشرفت انسان و امانتی نزد مسلمانان است؛ ازاین‌رو بر مسلمانان است که آن را در همه عرصه‌های زندگی پیاده کنند، به آموزه‌ها و راهنمایی‌هایش جامه عمل بپوشانند، از حریم و مقدسات آن دفاع کنند و مصالح عالیه آن را بر تمام مصلحت‌ها مقدم بدارند.

دوم: قرآن مجید و سنت شریف نبوی (ص) دو منبع اساسی قانون‌گذاری اسلام و سایر تعالیم آن هستند و همه مذاهب اسلامی بر حجیت و حقانیت این دو منبع، اتفاق‌نظر دارند و اعتبار سایر منابع را برگرفته و مستند به این دو می‌دانند.

سوم: ایمان به اصول و ارکان زیر، ملاک مسلمانی افراد است:

الف. ایمان به یگانگی خداوند متعال (توحید)؛

ب. ایمان به نبوت و خاتمیت رسول اکرم (ص) و این‌که سنت آن حضرت، یکی از دو منبع اساسی دین است؛

ج. ایمان به قرآن کریم، مفاهیم و احکام آن، به‌عنوان منبع اول دین اسلام؛

د. ایمان به معاد؛

ه. ایمان به وجوب ارکان پنج‌گانه اسلام و عدم انکار مسلمان مورد اتفاق و ضروریات دین.

چهارم: به رسمیت شناختن اصل اجتهاد و آزادی بحث، زیرا اسلام با پذیرش اجتهاد، اختلاف دیدگاه‌ها را طبق ضوابط شرعی پذیرفته است؛ ازاین‌رو بر مسلمانان است که تنوع اجتهادها را امری طبیعی بدانند و به رأی دیگران احترام بگذارند.

پنجم: وحدت امت اسلامی و پاسداری از مصالح و منافع عمومی مسلمانان، وظیفه‌ای دینی و ضرورتی حیاتی است و برادری اسلامی اساس هر نوع همکاری، تعامل و همبستگی بین مسلمانان به شمار می‌رود.

چشم‌اندازها:

ششم: ضرورت دارد علما و اندیشمندان اسلامی موارد زیر را نصب لعین خویش قرار دهند:

۱. تلاش برای نزدیک ساختن جامعه امروز اسلامی به وضعیتی که قرآن مجید ترسیم نموده و پیامبر اکرم (ص) در راه تحقق بخشیدن به آن کوشیده است؛ و به‌منظور گسترش برادری دینی، همکاری همیاری و تقوا پیشه‌نکردن و ایستادگی در برابر چالش‌ها، توصیه به حق و صبر و دوری از تفرقه و کشمکش و هر چه باعث سستی و ضعف مسلمانان می‌شود.
۲. الگو قراردادن رفتار ائمه مذاهب اسلامی با یکدیگر و گسترش آن در میان پیروان امروز آنان.
۳. گسترش فرهنگ همبستگی بین مسلمانان تا جایی که همه آنها اختلافات فکری بین خود را پذیرفته و آن را نتیجه اجتهاد قانونمند مذاهب بدانند.

هفتم: تقویت، تعمیق و هدایت بیداری اسلامی به‌منظور آشنایی مسلمانان یکدیگر از رهگذر، تحقق الفت و برادری دینی بر پایه اصول ثابت و مشترک اسلامی.

زمینه‌های تقریب:

هشت: تقریب مذاهب اسلامی همه عرصه‌های زندگی پیروان مذاهب را در برمی‌گیرد و شامل عقاید، فقه، اخلاق، فرهنگ و تاریخ می‌شود.

برنامه‌های عمومی:

نهم: علاوه بر آنچه گذشت، برداشتن گام‌های زیر هم برای تحقق تقریب مذاهب اسلامی لازم است:

۱. ضرورت همکاری کامل در مواردی که مسلمانان قرآن اتفاق‌نظر دارند.
۲. بسیج همه نیروهای مادی و معنوی در راه اعتلای کلمه ا‌ و اجرای اسلام به‌عنوان استوارترین راه سعادت.
۳. موضع‌گیری هماهنگ و واحد در برابر دشمنان اسلام، به‌خصوص در مسائلی که مورد اهتمام همه امت اسلامی است؛ مثل مسئله افغانستان، عراق و...
۴. خودداری مسلمانان از تکفیر، تفسیق ناسزاگویی به مخالفان مذهبی خود. ما به‌عنوان مسلمانانی که

به مشروعیت اجتهاد در چارچوب منابع اسلامی باور داریم، باید لوازم و تبعات این اصل را نیز بپذیریم؛ هرچند، نظر اجتهادی دیگران به باور ما خطا باشد. باید داوری خود درباره اختلافات را از سطح ایمان و کفر، به سطح درست و نادرست، تغییر دهیم. همچنین تکفیر دیگران به‌خاطر لوازم گفته یا رأی آنان که به گمان ما به انکار اصول دین منجر می‌شود، ولی آنان خود این لوازم را قبول ندارند، جایز نیست.

۵.برخورد محترمانه با اختلافات، به‌عنوان نتیجه پذیرش تعدد اجتهاد در اسلام.

۶. وقتی اسلام پیروان خود را به حکمت، موعظه حسنه و دوری از اعمال تحریک‌آمیز در مناسبات خود با سایر ادیان توصیه می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد به عقاید باطل غیر مسلمانان بی‌حرمتی ننمایند، به‌طریق‌اولی در مناسبات بین مسلمانان، بر اصل اجتناب از بی‌حرمتی به معتقدات پیروان مذاهب اسلامی و احترام به اهل‌بیت پاک رسول‌ا (ص) و اصحاب راست‌کردارش تأکید می‌نماید.

۷.عدم تحمیل پیروی از مذهبی خاص بر مردم توسط هیئت‌های دینی و حکومت‌ها با سوءاستفاده از ضعف و نیاز آنان؛ باید با احترام به مذاهب اسلامی معتبر، بر اساس اصول یاد شده، پیروان آنها را از تمام حقوق شهروندی برخوردار ساخت.

۸.در مسائل مربوط به احوال شخصیه، پیروان مذاهب اسلامی تابع مقررات مذهب متبوع خود هستند؛ اما در امور مربوط به نظم عمومی، قوانین جاری کشور متبوع آنان، حاکم خواهد بود.

۹. از آن‌ها که قرآن کریم مسلمانان را به اصل گفت‌وگوی منطقی با دیگران به‌دوراز هیاهو و ایجاد رعب و به هدف دستیابی به حقیقت، دعوت کرده است، بنابراین بر مسلمانان واجب است اختلافات خود را از طریق گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و با رعایت آداب منطقی و اخلاقی حل کنند و در این راه با تعیین هیئت‌های علما یا مشترک برای حل اختلافات فی‌مابین، گام‌های عملی بردارند و به بعد عملی تقریب و تبلور ارزش‌های آن در زندگی اهتمام داشته باشند.

۱۰. واگذاشتن بحث و گفت‌وگو در جنبه‌های تاریخی، عقیدتی و فقهی مورد اختلاف بین مسلمانان به متخصصان، تا با تکیه‌بر روح برادری، بی‌طرفی و حقیقت‌جویی انجام شود. ازاین‌رو شایسته است مراکزی خاص برای گفت‌وگو در مسائل عقیدتی، فقهی و تاریخی تأسیس گردد.

۱۱. آموزش فقه وحدت اسلامی، آداب اختلاف، گفتگو و مناظره آشنایی با اجتهاد در فقه، کلام، تفسیر و احادیث مشترک و مقایسه بین آنها در فضایی از احترام متقابل و عدم خرده‌گیری نسبت به آرای یکدیگر در مراکز علمی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علوم دینی.

۱۲. احیای مکتب‌های تربیتی پایبند به کتاب و سنت، به‌عنوان وسیله‌ای برای کاهش گرایش‌های مادی افراطی و راه‌حلی جهت پیشگیری از فریب‌کاری مسلک‌های نوظهور و ناآگاه نسبت به اصول اسلامی.

۱۳. اهتمام علمای مذاهب به ترویج شیوه اعتدال و میانه‌روی، با به‌کارگیری همه ابزارهای علمی، ملاقات‌ها، سمینارهای علمی - تخصصی و کنفرانس‌های عمومی با استفاده از مؤسسات «تقریبی» و با هدف

تصحیح نگاه به مذاهب اعتقادی، فقهی و تربیتی به‌عنوان شیوه‌های گوناگون اجرای اسلام و این‌که اختلاف بین مذاهب، اختلاف تنوع و تکامل است، نه اختلاف تضاد؛ و نیز ضرورت شناخت ویژگی‌ها و امتیازات هر یک از مذاهب و آشنایی با ادبیات آنها.

۱۴. مقابله با مکاتب و گرایش‌های فکری افراطی و تندرو که با کتاب و سنت در تعارض است. در این راه، افراط‌وتفریط و پذیرش دعوت‌های مختلف جایز نیست و باید ضوابط مذکور درباره شرایط اسلامی بودن گروه‌ها و گرایش‌ها را در نظر داشت.

۱۵. تأکید بر عدم مسئولیت مذاهب اعتقادی، فقهی و تربیتی در برابر اعمال اشتباه افراد منتسب به آنها؛ مانند: کشتار بی‌گناهان، هتک آبرو، تکفیر، ناسزاگویی، نابود کردن سرمایه‌ها و غیره و ضرورت اتخاذ تصمیماتی برای جلوگیری از اعمالی که شکاف بین مسلمانان را بیشتر می‌کند و نسبت کفر و گمراهی را متوجه آنان می‌سازد و نیز تلاش برای دوری از اعمال تحریک‌کننده و فتنه‌انگیزی که باعث خشم مسلمانان می‌شود و به پراکندگی امت اسلامی فرامی‌خواند.

۱۶. انحصار صدور فتوا به دانشمندانی که در شناخت کتاب خدا، سنت پیامبر اکرم (ص)، فقه و اصول تخصص داشته، و توانایی استنباط احکام شرعی از منابع آن را دارند و به موضوعات، اوضاع‌واحوال مردم و مقتضیات زمان آگاه هستند و به‌منظور حل مشکلات، در صدور فتوای، اولویت‌ها را مراعات می‌نمایند.

د) مجمع‌عمومی

مجمع‌عمومی یکی از ارکان مجمع است و اعضای آن از بین علما و اندیشمندان مذاهب اسلامی معتقد به اندیشه تقریب مذاهب انتخاب می‌شوند. بر اساس آیین‌نامه، نشست اعضای این مجمع هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود. مسائلی که در هر نشست بررسی می‌شود، مشکلات و مسائل عمومی جوامع اسلامی و راه‌حل آن، مسائل ارجاعی از سوی شورای‌عالی به مجمع‌عمومی، و گزارش دبیرکل از فعالیت‌های مجمع می‌باشد. اکنون 208 نفر عضو مجمع‌عمومی انتخاب شده‌اند و دایره انتخاب اعضا، محدود به این تعداد نخواهد بود.

نشست هیئت‌رئیسه مجمع‌عمومی، سالانه برگزار می‌شود. نشست اول این هیئت‌رئیسه در شوال سال 1426 در اصفهان و قسمت‌های دوم و سوم آن در ربیع‌الاول سال‌های 1428 و 1430 در تهران برگزار شد.

مجمع‌عمومی دارای چهار کمیته به شرح زیر است:

الف. کمیته اقلیت‌های مسلمان.

ب. کمیته تبلیغات.

ج. کمیته چالش‌های فراروی امت اسلامی.

د. کمیته زنان و نقش آنان در تقریب مذاهب.

- نشست اول کمیته‌های مجمع‌عمومی، شوال 1426 هـ.ق. در اصفهان
- نشست دوم، ربیع‌الاول 1428 هـ. ق در تهران
- نشست سوم، ربیع‌الاول 1430 هـ. ق در تهران

هـ) شورای‌عالی

شورای‌عالی، دومین رکن مجمع است و اعضای آن را ولی‌امر مسلمین برای شش سال منصوب می‌نماید. اعضای شورای‌عالی عضو مجمع‌عمومی نیز هستند و تعداد آنان بین 15 و 22 نفر است. مسئولیت این شورا، برنامه‌ریزی و موافقت با طرح‌های مجمع در زمینه‌های گوناگون می‌باشد. شرح وظایف این شورا را می‌توان در ماده بیستم از فصل ششم اساسنامه ملاحظه نمود. شورای‌عالی تا پایان سال 1430 هـ.ق/ 1389 ه.ش 159 نشست داشته است.

پیش‌ازاین، شهید محراب آیت‌ا سید محمدباقر حکیم (ره) عهده‌دار ریاست شورای‌عالی مجمع بود که بعد از ادای نمازجمعه در نجف اشرف و در کنار مرقد مطهر جدش امیرمؤمنان به دست دشمنان اسلام به شهادت رسید.

و) دبیرکل مجمع

دبیرکل مجمع، مسئول عالی اجرایی و سخنگوی رسمی مجمع هستند که با پیشنهاد شورای‌عالی و حکم ولی‌امر مسلمین به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و بر همه فعالیت‌های علمی، فرهنگی، آموزشی، بین‌المللی، نشر کتاب و مجله نظارت دارند و گزارش فعالیت‌ها را به مجمع‌عمومی و شورای‌عالی ارائه می‌نمایند.

انتخاب دبیرکل از میان شخصیت‌های علمی ممتاز فعال در عرصه تقریب مذاهب صورت می‌گیرد.